

سوالات تستی کنکوری عربی یازدهم انسانی - سری اول

۱- عین الخطأ:

(سراسری ۱۴۰۲)

- ① عند الشَّدائد حسبُك أن تصبر، فستري أنه لن يبقی أثر منها: هنگام گرفتاری ها کافی است که صبر کنی، در نتیجه خواهی دید که اثری از آنها نخواهد ماند!
- ② مَنْ شَعَرَ بالحسد ضدَّ زميله فقد اعترف بأنَّ الزميل أفضلُ منه: هرکس نسبت به دوستش احساس حسادت کند اعتراف کرده است که از آن دوست برتر است!
- ③ ليس عريباً أن القول الحسن كصدقةٍ يَنْتَفِعُ به جميعُ النَّاسِ: عجیب نیست که کلام خوب چون صدقه ای است که همه مردم از آن سود می برند!
- ④ إنَّ الرُّعْبَاتِ يمكن أن تَجَرِّرَنَا إلى طرقٍ مختلفةٍ تَبْعَدُنَا عن الهدف: تمایلات ممکن است ما را به راه های مختلفی بکشاند که ما را از هدف دور می سازد!

۲- یا ایها الذین آمنوا، اجتنبوا کثیراً مِنَ الظَّنِّ، إن بعض الظَّنِّ إثم: (خارج از کشور ۱۴۰۱)

- ① ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها دوری کنید، چه بعضی گمان ها گناه است!
- ② ای کسانی که ایمان آورده اید، از ظن و گمان بسیار اجتناب کنید، چه برخی گمان ها گناه است!
- ③ ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان های بد بسیار دوری کنید، چه برخی از گمان ها گناه می باشند!
- ④ ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیار از ظن و گمان اجتناب کنید، چه بسیاری از گمان ها بسا گناه می باشند!

۳- عین ما فيه اسم المكان: (خارج از کشور ۱۴۰۱)

- ① وصل عمال إطفاء الحريق سريعاً مع أن معبر هم ما كان وسیعاً!
- ② استفاد المريض من مرهم لدفع آلامه من الحساسية الجلدية!
- ③ كانت مهنة أخى من السنوات الماضية مصلح السيَّارات!
- ④ هذا محرار جديد يعمل أحسن ممَّا كان يشبهه من قبل!

۴- عَيْنَ مَا فِيهِ اسْمُ الْمَبَالِغَةِ: (سراسری ۱۴۰۱)

- ① إِنَّ الْخَفَّاشَ مِنَ الطَّيُورِ الَّتِي لَا تَطِيرُ إِلَّا فِي اللَّيْلِ!
- ② إِحْدَى صَدِيقَاتِي غَسَّالَةٌ أَيْدِيهَا، وَ هِيَ تَظُنُّ أَنَّهَا لَمْ تَنْظَفْ!
- ③ إِنَّ الرِّمَانَ مِنَ الْفَوَاكِهِ اللَّذِيذَةِ فِي فَصْلِ الْخَرِيفِ وَالشِّتَاءِ!
- ④ لَا يَذْهَبُ الزَّوَارُ إِلَى الْأَمَاكِنِ غَيْرِ الْمَشْهُورَةِ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ!

۵- « فَضْلُ الْإِنْسَانِ أَنْ يُؤْثِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّهُ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُهُ؛ وَ أَلَّا يَكُونَ حَدِيثُهُ أَكْثَرَ مِنْ عَمَلِهِ؛ وَ يُقَدِّمَ غَيْرَهُ عَلَى نَفْسِهِ! » (سراسری ۱۴۰۲)

- ① فضل انسان به این است که صداقت را بر دروغ مقدم دارد حتی در جایی که راستگویی به ضررش و دروغگویی به نفعش باشد؛ و شایسته نیست سخن او بیش از عملش باشد؛ و دیگری را بر خود ترجیح دهد!
- ② برتری انسان به این است که راستگویی را در جایی که به او زیان می‌رساند و بر دروغ در جایی که برای او سود دارد ترجیح دهد؛ و اینکه گفتار او بیش از عملش نباشد؛ و دیگری را بر خود مقدم بدارد!
- ③ بلند مرتبه بودن در انسان به ترجیح دادن صداقت آنجا که به ضرر اوست بر دروغ آنجا که به نفع اوست می‌باشد؛ در نتیجه کلامش بیش از عملش نبوده؛ و دیگری را برخود مقدم می‌دارد!
- ④ بزرگی آدمی به مقدم دانستن راستگویی هر جا به زیان اوست بر دروغ‌گویی هر جا به سود او است می‌باشد؛ و نباید بیشتر از کار کردنش حرف بزند؛ و دیگری را بر خویش ترجیح بدهد!

۶- أَوَّلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ: (سراسری ۱۴۰۰)

- ① و آیا ندانسته‌اند که خداوند روزی را برای هرکس بخواهد می‌گستراند؟
- ② و آیا نمی‌دانند که الله روزی‌ها را برای هرکس بخواهد گسترش می‌دهد؟
- ③ آیا و ندانسته‌اند که الله روزی‌های خود را برای کسی می‌گستراند که بخواهد؟
- ④ آیا و نمی‌دانند که خدا برای کسی که از او بخواهد روزی خود را می‌گستراند؟

۷- « أَعْلَى الْمَرَاتِبِ فِي الْإِنْسَانِيَّةِ هُوَ أَنْ كُلَّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَفْعَلُهُ يَكُونُ فِي نَظَرِ تَكْ صَغِيرًا، وَ كُلُّ عَمَلٍ سَيِّئٍ تَقُومُ بِهِ تَعَدُّهُ كَبِيرًا »:

(خارج از کشور ۱۴۰۲)

- ① برترین رتبه‌ها در انسانیت همان است که هرکاری که انجام می‌دهی و خوب بوده در نظرت کوچک باشد، و هر کار بدی که به آن اقدام کردی بزرگ بشمارد!
- ② برترین درجه‌ها در انسان بودن، در دیدگاه تو است که هر عمل نیکی را انجام می‌دهی کوچک، و هر عمل خطایی را که بدان اقدام کنی بزرگ پنداری!
- ③ عالی‌ترین مرتبه‌ها در انسانیت آن است که هرکار خوبی که انجام دهی در نگاه تو کوچک باشد، و هر عمل بدی را انجام دهی آن را بزرگ به شمار آوری!
- ④ عالی‌ترین درجه در انسان بودن به این است که هرکار صالحی را انجام می‌دهی از نظر تو کوچک باشد، و هر کار اشتباهی که انجام داده‌ای بزرگ پنداری!

۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ: (سراسری ۱۴۰۰)

- ① خَيْرُ إِخْوَانِي مَنْ أَقْرَبَ إِلَيَّ مَنْيَ: بهترین برادرانم نزدیکترین کس به من هستند!
- ② إِعْلَمْ أَنَّ أَقْوَى سِلَاحِك قُدْرَةُ الْكَلَامِ وَلِيَّئُهُ: می‌دانم که نیرومندترین سلاح تو، قدرت سخنان و نرمی آن است!
- ③ أَكْبَرُ الْغِنَى الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ: بزرگترین بی‌نیازی ناامیدی از چیزی است که در دستان مردم است!
- ④ أَنْتَ أَعْلَى وَ خُلِقَ الْحَسَنُ أَثْقَلَ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ: تو بلندمرتبه‌ترین و اخلاق نیک سنگین‌ترین چیز در ترازوی توی است!

۹- عَيْنُ النِّعَةِ (الْصِّفَةِ) اسْمُ تَفْضِيلٍ: (خارج از کشور ۱۴۰۲)

- ① يَرْفَعُ فَائِزُ هَذِهِ الْمُبَارَاةِ الْأَقْوَى عِلْمَ بِلَادِهِ وَ نَحْنُ كُلُّنَا نَفْتَخِرُ بِهِ!
- ② اِكْتَسَبَ هَؤُلَاءِ التَّلَامِيزُ أَقْلَهُ دَرَجَةٍ فِي دُرُوسِهِمْ وَ أَصْبَحُوا رَاسِبِينَ!
- ③ جُعِلَ اللَّوْحُ الْأَبْيَضُ أَمَامَ الصِّفِّ لِيَشَاهِدَ التَّلَامِيزُ مَا كُتِبَ عَلَيْهِ بِدَقَّةٍ!
- ④ أَكْثَرُ الْحُجَّاجِ عَادُوا إِلَى بِلَدِهِمْ بَعْدَ أَدَاءِ مَنَاسِكِهِمْ فِي مَكَّةِ الْمُكْرَمَةِ!

۱۰- عین ما لیس فی اسم التفضیل:

(سراسری ۱۴۰۲)

- ① أعزُّ الشَّباب هو من يُؤدِّي دورَه في المجتمع أداءً جيِّداً!
- ② أحقُّ الكلام كلامٌ يَقوله قائلُه في وقته، لا نَقصَ فيه و لا زيادة!
- ③ أحرُّ أيَّام السَّنة يخرج النَّاس من بُيوتهم الذَّهاب إلى الحدائق!
- ④ أمرٌ بالسَّوق المزدحمة و النَّاس يبيعون و يشترون البضائع!

۱۱- عین کلمه «أفضل» صفة:

(سراسری ۱۴۰۱)

- ① ما قَسَمُ اللهُ للعباد شيئاً أفضل من العقل!
 - ② مَنْ أعطى وقتَ الحاجة كانت عطیَّتُه أفضلَ أعطاء!
 - ③ مَنْ أخلصَ لله أعماله، ظهرت أفضلُ الصفات في قلبه!
 - ④ يَجِب علينا أن نَسْتفيد من أخطائنا في هذا اليوم بأفضل طريقة!
- اعلم أنه إذا لم تستخدم خلايا الدماغ و لم تستعمل متواصلًا، سينقص حجمها و تقل قدراتها و طاقتها على العمل. و يجرى تمرينُ تنشيط خلايا الدماغ من خلال القيام بالاختبارات العقلية المتوَّعة، مثل اختبارات الذاكرة و الذكاء و غيرهما.
- و من الهم أن تكون هذه الاختبارات جديدةً و غير معروفةٍ للفرد، بحيث تؤثر على تنشيط عمل الخلايا و تساعد على الوصول إلى مستويات متقدِّمة من التفكير و التحليل. و في هذا المجال تساعد القراءة و الكتابة بلغات مختلفة و كذلك القيام ببعض الألعاب التي تحتاج إلى تفكير و تحليل كالشطرنج تساعد خلايا الذهن أن تنمو و تنشط أكثر فاكثر...
- * خلايا: جِ خلية: المادَّة الأساسيَّة في جميع المخلوقات الحيَّة، فالإنسان يتشكَّل مثلاً من مجموعة من الخلايا تسمَّى «سلول»! / دماغ: مخ / مستويات: سطوح

۱۲- عین الخطأ: علينا بازدياد قدرتنا الدماغية عن طريق

(سراسری ۱۴۰۰)

- ① الإقبال على تعلُّم اللُّغات الاخرى!
- ② ألعاب تُقوِّى العقول و تعمل على نشاطها!
- ③ القيام بأعمال لم نكن نعملها عادةً!
- ④ مشاهدة الألعاب الفكرية و التحليلية كالشطرنج!

۱۳- من يقدر أن ينتفع من طاقاته الدماغية؟ عيّن الصحيح: الذي ... (سراسری ۱۴۰۰)

① يتكلم و يكتب بلغة صباح مساء!

② لا يجتنب مواجهة ما بحاجة إلى التعقل!

③ يقوم كل يوم بلعبة فكرية و أعمال معينة!

④ يحب الاختبارات العقلية و الألعاب الفكرية دون أن يقوم بها!

۱۴- علام (على ما) تؤثر التمارين الدماغية و الخبرات العقلية؟ عيّن الصحيح: تؤثر على ...

(سراسری ۱۴۰۰)

① ما يقوم به المخ!

② حجم الرأس و مافيه!

③ كيفية القراءة و الكتابة!

④ كيفية الألعاب الرياضية و الفكرية!

۱۵- عيّن ما لم يذكر في النص: (سراسری ۱۴۰۰)

① أساليب تنشيط القوة الدماغية!

② أثر عدم استخدام القوة العاقلة!

③ كيفية أثر القراءة بلغة أجنبية على أعمال الإنسان!

④ الألعاب التي تفيد في ازدياد حجم خلايا المخ أو أدمغ!

۱۶- عيّن الخطأ في الأعراب و التحليل الصرفي: (سراسری ۱۴۰۰)

«تستعمل»

① فعل مضارع- للمفرد المؤنث الغائب- مجهول / فعل، و الجملة فعلية

② مضارع- للمؤنث- حروفه الأصلية «ع م ل»- ماضية «استعمل» على وزن استفعال

③ فعل مضارع (بمعنى الماضى الاستمرارى بسبب وجود حرف «لم»)- مجهول / فعل و الجملة

فعلية

④ مضارع (بمعنى الماضى النقلي المنفى بسبب وجود حرف «لم» النافية- مصدره:

«استعمال» على وزن استفعال

۱۷- «يَنْقُصُ»:

(سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) فعل مضارع - للغائب - ليس له حرف زائد - معلوم / فعلٌ و فاعله «حجم»
- ۲) مضارع (بمعنى الالتزامى بسبب وجود حرف السين) - معلوم / فعلٌ و فاعله «حجم»
- ۳) مضارع - للمفرد المذكر الغائب - حروفه أصليّة كلّها - معلوم / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
- ۴) فعل مضارع (يختصّ بالمستقبل بسبب وجود حرف السين) / فاعله «حجم» و الجملة فعلية

۱۸- «المتنوعة»:

(سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) اسم - مفرد مؤنث - معرّف بآل / صفة و موصوفها «الاختبارات»
- ۲) مفرد مؤنث - اسم فاعل (حروفه الأصلية «ن و ع» - معرّف بآل
- ۳) اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (فعله: «تنوّع» و مثدره: «تنوّع» على وزن تفعّل)
- ۴) مفرد مؤنث - اسم فاعل (مصدر فعله: «تنويع» على وزن تفعيل) / صفة للموصوف «الاختبارات»

۱۹- عيّن ما فيه اسم التفضيل أقلّ:

(سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) إنّ الخوف من الألم أسوأ من نفس الألم!
- ۲) لا تنتظر النظرة الحسنى، اعملها، سيجىء لك خير منها!
- ۳) إنّ الألم الذى يضطرك إلى السكوت أثقل من استغثت بك بأعلى الأصوات!
- ۴) إنّ الذين ينصحونك لأفضل الأمور هم الذين جربوا شرّ ظروف الحياة غالباً!

۲۰- عيّن الخطأ:

(خارج از کشور ۱۴۰۲)

- ۱) أنشد الشاعر شعراً عمّن يشغل بزينة الدنيا الفانية: شاعرى شعرى سرود درباره هر کس که به زینت دنیاى فانى سرگرم است؛
- ۲) والآمال تَغَرَّه و الوقت ينتهى بغتة: در حالى که آرزوها او را فريب مى دهد و ناگهان وقت تمام مى شود؛
- ۳) فعندما يلتفت إلى المستقبل، الخوف يضمّة: پس هنگامى که به آینده توجه مى کند، ترس او را فرا مى گیرد؛
- ۴) و لمّا يراجع ماضيه يرى أنّه لا ذخيرة فى يده: و وقتى که به گذشته اش مراجعه مى کند مى - بیند که هیچ اندوخته اى در دستش نیست!

۲۱- « تَنْقَرُ بَعْضُ الطَّيَّورِ جَذُوعَ الْأَشْجَارِ الصَّلْبَةِ بِمَنْقَارِهَا لِتَصْنَعَ عَشَّهَا، وَ إِنْ لَمْ يُخْلَقْ بِدُنْهَا مَنَاسِبًا لِهَذَا الْعَمَلِ لَكَانَ يَضُرُّهَا عَمَلُهَا!»: بعضی پرندگان (خارج از کشور ۱۴۰۲)

- ۱) تنه‌هایی را که درختان سخت دارند با منقار خود می‌کوبند به خاطر اینکه لانه خود را بسازند، و چنانچه بدن آنها مناسب خلق نشده بود بی‌شک این کارشان به ضررشان بود!
- ۲) برای اینکه لانه‌شان را بسازند با منقارهای خود تنه‌های سخت درختان را می‌کوبند، و چنانچه بدنشان مناسب آفریده نمی‌شد این کارشان به آنها زیان می‌رساند!
- ۳) برای ساخته شدن لانه‌شان با منقار خود به تنه‌های درختان سخت نوک می‌زنند و اگر نبود که بدنشان مناسب این کار خلق شده کارشان به آنها صدمه می‌زد!
- ۴) تنه‌های سخت درختان را با منقار خود نوک می‌زنند تا لانه خود را بسازند، و اگر بدنشان مناسب این کار آفریده نمی‌شد حتماً کارشان به آنها ضرر می‌زد!

۲۲- عَيْنُ الْفَعْلِ يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ وَقْعُهُ فِي زَمَانٍ: (خارج از کشور ۱۴۰۲)

- ۱) مَنْ يَلْعَبُ بِذَنْبِ الْأَسَدِ جَهْلًا يَقَعُ فِي مَشَاكِلَ لَا يَنْظُرُهَا!
- ۲) مَنْ تَطْبَخُ الْخُبْزَ مِنَ الْعَجِينِ بِسَهْوَةٍ غَيْرِ الْخَبَازَةِ الْمَاهِرَةِ!
- ۳) مَنْ تَخَلَّصَ مِنَ الْأَعْجَابِ بِنَفْسِهِ تَقَدَّمَ فِي الْمَجَالَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ!
- ۴) مَنْ يَحْصُلُ عَلَى الْعِلْمِ وَيَنْتَفِعُ بِهِ وَيَنْفَعُ الْآخَرِينَ إِلَّا الْعَالَمَ الْخَبِيرَ!

۲۳- عَيْنُ «مَا» تَخْتَلِفُ فِي الْمَعْنَى: (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) مَا أَحَبَّ هَذَا الطَّالِبَ أَنْ يَعْرِفَ الْآخَرُونَ فَشَلَةً!
- ۲) مَا تَحْتَاجُ هَذِهِ الْغُرْفَةُ هِيَ مَكْتَبَةٌ صَغِيرَةٌ فِيهَا بَعْضُ الْكُتُبِ!
- ۳) مَا أَحْسَنَ الْإِنْسَانَ لِأَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يَرَى نَتِيجَةَ عَمَلِهِ بِأَحْسَانٍ أَفْضَلَ!
- ۴) مَا أَخْلَصَ الْمُؤْمِنُ لِلَّهِ إِلَّا وَبِنَابِيعِ الْحِكْمَةِ قَدْ ظَهَرَتْ مِنْ قَبْلِهِ عَلَى لِسَانِهِ!

۲۴- « عود نفسك بأن تكلم الناس بلسان لِيْن و أن تتدخلَ في موضوع ليس لك به علم، و إلاَّ يمكن أن تقعَ في مَوْضع التَّهمة! »: (سراسری ۱۴۰۱)

① به نفس خود برگرد تا با مردم با نرمی سخن بگویی و در موردی که بدان آگاهی نداری، دخالت نکنی و الاً ممکن است در جایگاهی از اتهام قرار گیری!

② خود را عادت بده به اینکه با زبان نرم با مردم سخن بگویی و در موضوعی که به آن علمی نداری دخالت نکنی، وگرنه امکان دارد در موقعیت اتهام قرار گیری!

③ خودت را عادت بده که با مردم به نرمی حرف بزنی و در موضوعی دخالت نکنی وقتی بدان آگاهی نداری و الاً ممکن است در موقعیت تهمت زدن قرار بگیری!

④ به درون خود برگرد برای این که با مردم با زبانی نرم حرف بزنی و در موردی که برای تو علمی نیست، دخالت نکنی وگرنه امکان دارد در موضع تهمت قرار بگیری!

۲۵- عَيْنُ الصَّحِيح: « السيرة الحسنة كشجرة الزيتون، لا تنمو سريعاً ولكنها تعيش طويلاً » (سراسری ۱۴۰۰)

① یک رفتار نیکو مانند درخت زیتون سریع نمی‌بالد ولی زندگی طولانی خواهد داشت!

② راه و روش خوب چون درخت زیتون است، با سرعت رشد نمی‌کند اما طولانی زندگی می‌کند!

③ سیره نیک همچون درخت زیتون است که سریع رشد نمی‌کند، ولی زندگی طولانی می‌کند!

④ یک سیره حسنه مانند درخت زیتونی است که با سرعت بزرگ نمی‌شود، اما زندگی طولانی است!

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص: (خارج از کشور ۱۴۰۲)

في عصر العباسيين نواجه حضور ثقافات مختلفة في المجتمع. إحدى هذه الثقافات كانت الثقافة اليونانية التي تعدُّ بمنزلة الثقافة الغربية في ذلك العصر، و في المراكز التي أسستها الحكومة إضافة إلى الكتب اليونانية قام المترجمون بترجمة الكتب الفارسية و الهندية أيضاً. ممَّا جدير بالملاحظة هو أنَّ المترجمين لم يقوموا بترجمة آثار من الأدب اليوناني كما ترجموا المنطق اليوناني و الفلسفة اليونانية، مع أنَّهم لم يغفلوا ما يُعادلها عند الفرس و الهنود. و لعلَّ السبب يعود إلى اختلاف الأذواق و كذا لكثرة ذكر الآلهة في هذه الآثار المملوءة بالأساطير!

و هكذا جاء العقل اليوناني الذي يميل إلى التحليل و التعليل في المجرَّدات و العقل الهندي الذي يميل إلى التأمل و الزهد و العقل الفارسي الذي تتغلَّب عليه المادَّة و يهتم بالتفخيم و كذلك الاهتمام بالموسيقى، و قد أثر كلُّ واحد منها على ثقافتنا و حياتنا حتَّى يومنا هذا!

۲۶- كيف أثّرت الثقافات الثلاثة المذكورة في النصّ على حياتنا الثقافية؟ عيّن الخطأ:

(خارج از کشور ۱۴۰۲)

- ۱) من آثار العقل اليوناني التأمل و التدقيق في أمور غير محسوسة لا تُشاهد.
- ۲) يدعو العقل الفارسي إلى المبالغة و الزينة أثناء بيان المسألة و كذلك يهتمّ بالنغمات.
- ۳) الثقافة الهندية تدعو إلى ترك الدنيا و نعماتها و تُشجّع الناس على القناعة و ترك الدنيا.
- ۴) إنّ هذه الثقافات قد أثّرت أثرها في عصرها و لم يبق منها شيء حتّى يؤثّر علينا في زماننا هذا.

۲۷- عيّن الخطأ:

(خارج از کشور ۱۴۰۲)

- ۱) إنّ المراكز الترجمة قامت ترجمة الآثار الأدبيّة من الأدب الفارسي.
- ۲) الآثار الأدبيّة من الهنودك «كليّة و دمنه» قد ترجمت في العصر العباسي.
- ۳) تُرجمت «الإلياذة» و هي من أشهر الآثار الأدبيّة اليونانيّة في العصر العباسي.
- ۴) ما دخل في المجتمعات الإسلاميّة كانت فكرة اليونانيين، لا ذوقهم و رؤيتهم الأدبيّة.

۲۸- عيّن سؤالاً لم يأت جوابه في النصّ:

(خارج از کشور ۱۴۰۲)

- ۱) ما هي ميزة الثار الأدبيّة اليونانيّة
- ۲) كيف كان المترجم يختار كتاباً للترجمة؟
- ۳) لماذا لم يقوم المترجمون بترجمة الآثار الأدبيّة من اليونانيّة إلى العربيّة؟
- ۴) كيف دخلت الثقافة الغربيّة في المجتمع الإسلامي في العصر العباسي؟

۲۹- عيّن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفيّ

(خارج از کشور ۱۴۰۲)

- « نواجه - كانت - مختلفة - الملاحظة »
- ۱) الملاحظة: اسم - مفرد مؤنث - مثنى (من باب مفاعلة) - معرّف بـ «أل - معرب / مجرور بحرف الجر؛ بالاملاحظة: جار و المجرور
 - ۲) مختلفة: اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: اختلاف) - معرب / صفة و مجرور بالتبعية للموصوف «ثقافات»
 - ۳) نوجه: فعل مضارع - للمتكلّم مع الغير - مزيد ثلاثي (من باب مفاعلة) - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
 - ۴) كانت: فعل ماضٍ - للمؤنث الغائبة - مجرد ثلاثي / فعل من الأفعال الناقصة، خبره « الثقافة » و منصوب

۳۰- عین الخطأ فی الإعراب و التحليل الصرفی: (خارج از کشور ۱۴۰۲)

« السبب- التحليل- يقوموا- تتغلب »

① تتغلب: فعل مضارع- للمخاطب- مزيد ثلاثي (من باب تفعّل)- لازم/ فعل و فاعله «المادة»
و الجملة فعلية

② السبب: اسم- مفرد مذكر- معرف بأل- معرب/ اسم «لعله» المشبهة بالفعل و منصوب و خبره «يعود...»

③ التحليل: اسم- مفرد مذكر- مصدر (من باب بفعيل)- معرب/ مجرور بحرف الجر؛ إلى التحليل: جارو مجرور

④ يقوموا: فعل مضارع- للجمع الغائب- مجرد ثلاثي- معلوم/ فعل و مع «لم» النافية يعادل الماضي النقلي في الفارسية

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص: (سراسری ۱۴۰۲)
أنّ البعض بتصور أنّ العصر الجاهلي يدلّ على عصر لا يعرف الناس فيه القراءة و الكتابة و لم تكن لهم حضارة و لا ثقافة تُذكر! فلذلك يُعدّ الجاهل ضدّ العالم. فبناء على هذا أنّ العصر الجاهلي يتميّز بأنّ الناس فيه يعيشون مع الحيوانات في الصحارى و الخيام. لكننا نرى أنّ هذه المفردة إضافة إلى أنّها تقابل العلم، قد جاءت في القرآن الكريم لتشير إلى معنى إضافي آخر! إليك بعض الآيات: «خُذْ الْعَفْوَ و أَوْمَرْ بِالْعُرْفِ و أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»، «أَتَّخِذْنَا هُزُوءًا قَالِ أَعُوذُ بِاللّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ». مضمون الآيتين و ارتباط المفردات فيهما يُثبتان أنّ الجهل بمعنى خروج الإنسان عن حالة الاعتدال و غليان الأحاسيس و غيبة العقل. أنظروا إلى الشاعر الجاهلي كيف يستعمل هذه المادة و هو يقصد الجروج و الطغيان و القيام بأعمال خارجة عن الضوابط العقلية: ألا لا يجهلن أحدٌ علينا فنجهل فوق جهل الجاهليينا.
إضافة إلى هذا فإنّ الناس كانوا يتمتّعون بحضارة كانت مؤسّسة على التجارة و الزراعة و بناء النيات و المدن و يعرف بعضهم الكتابة و القراءة كذلك!

۳۱- لماذا سُميَ العصر الجاهلي بهذه التسمية؟ (سراسری ۱۴۰۲)

- ۱) فقدان القدرة على إتيان الحجّة و الدليل في مواجهة المسائل من أسباب هذه التسمية.
- ۲) بسبب أنّ الناس كانوا يعيشون كالحیوانات و لم تكن عندهم حكومة أو مدينة.
- ۳) لأنّ الأهواء و العواطف الشخصية ما كانت مقصودة عندهم.
- ۴) لأنّ الناس كانوا بعيدين عن الأخلاقیات و القيم الإنسانية.

۳۲- جواب أيّ سؤال لم يأت في النصّ؟ (سراسری ۱۴۰۲)

- ۱) هل كان للعرب قبل نزول القرآن حضارة؟
 - ۲) كيف نفهم أنّ القرآن ماذا قصد من كلمة الجهل؟
 - ۳) كيف كان العصر الجاهلي أثناء نزول القرآن الكريم؟
 - ۴) ما هو من مصاديق الجهل حيث ورد في النصّ؟
- ۳۳- عَيِّنِ الخَطَأَ: على أساس النصّ

- ۱) إنّ الصفة الأساسية للعصر الجاهلي قبل نزول القرآن هي العيش في الصحراء و عدم إدراك الآيات المنزلة.
- ۲) إنّ لم نكن نعلم معنى مفردة في النصّ فعلياً أن نراجع المفردات المجاورة فإنّها ترشدنا إلى قُربها.
- ۳) إنّ الانتقام و القيام بالمنكرات من مصاديق الواقع في الجهل.
- ۴) ربّ مؤلّف أو قارى كتاب و نحن نعدّه جاهلاً.

۳۴- عَيِّنِ الخَطَأَ في الإعراب و التحليل الصرفي: (سراسری ۱۴۰۲)

«يَعْرِفُ - يُعَدُّ - القراءة - الاعتدال»

- ۱) القراءة: اسم - مفرد مؤنث - معرّف بأل - معرب / مفعول و منصوب لفعل «يعرف»
- ۲) يَعْرِفُ: فعل مضارع - مجرد ثلاثي - لازم - معلوم / فعل و فاعله «الناس» و الجملة فعلية
- ۳) يُعَدُّ: فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - مجهول / فعل و نائب فاعله «الجاهل» و الجملة فعلية
- ۴) الاعتدال: اسم - مفرد مذكر - مصدر (من باب افتعال) - معرّف بأل - معرب / مضاف إليه و مجرور

۳۵- عَيْنُ الْخَطَأِ، فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: (سراسری ۱۴۰۲)
« الجاهلیّ - مؤسّسة - يَتَمَيَّز - أَعْرَضَ »

① الجاهلیّ: اسم - مفرد مذکر - اسم مبالغة (مصدره: جهل) - معرّف بأل / صفة و مجرور بالتبعية للموصوف «الشاعر»

② مؤسّسة: اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: تأسيس) - نكرة - معرب / خبر «کان» من الأفعال الناقصة، و منصوب

③ يَتَمَيَّز: فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثی (من باب تفعّل) - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية

④ أَعْرَضَ: فعل أمر - للمخاطب - مزيد ثلاثی (من باب إفعال) / فعل و مع فاعله جملة فعلية
۳۶- عین الصّحیح عن توضیح المفردات التالية: (خارج از کشور ۱۴۰۱)

① المكان الذي يهجم لا عبو كرة للقدم إليه ← الملعب

② عندما لا يودّی الإنسان أعماله في وقتها ← التأجيل

③ الذي يقذف النفايات على سطح الأرض ← الملوث

④ الكلمات الفارسية إذا دخلت إلى العربي ← المعرب

۳۷- « لا تَسْتَشِرْ مَنْ لا يَعْمَلُ بما يقوله، فَإِنَّهُ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْدِيكَ، لَأَنَّهُ هُوَ نَفْسُهُ قَدْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِ الْحَقِّ! »: (خارج از کشور ۱۴۰۲)

① با کسی که به آنچه می گوید عمل نمی کند مشورت مکن، چه او نمی تواند تو را هدایت کند، زیرا او خود از راه حق گمراه شده است!

② هرگز با کسی که به آنچه می گوید عمل نمی کند مشورت نکن، که او نمی تواند راهنمای تو باشد، از آن رو که خود از راه درست گم گشته است!

③ نباید با کسی که به گفته خود عمل نمی کند مشورت کنی، چه نمی تواند تو را هدایت کند، زیرا او را از راه حق گم گشته است!

④ از کسی که به آنچه می گوید عمل نمی کند، مشورت نخواه، زیرا کسی که از راه درست گمراه است نمی تواند هدایتگر باشد!

۳۸- «هَذَا مِنْ حُسْنِ حَظَّنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ شَخْصٍ لَهُ قَلْبُ كَالْبَحْرِ وَ يُمكننا أَنْ نَتَعَلَّمَ مِنْهُ شَيْئًا جَدِيدًا كُلَّ يَوْمٍ!»:

۱) خوشبختی ای که برای ما است اینست که همراهی شخصی می‌کنیم که دلی چون دریا دارد و بر ایمان ممکن می‌کند تا هر روز چیز جدیدی از وی بیاموزیم!

۲) خوش اقبالی ما به اینست که همراه کسی هستیم که قلبش چون دریاست و ما می‌توانیم هر روز چیزهای جدیدی از وی بیاموزیم!

۳) این خوشبختی ما است که هر روز همراه کسی باشیم که قلبی چون دریا دارد و امکان دارد که چیزهای تازه‌ای از او بیاموزیم!

۴) این از خوش اقبالی ماست که همراه شخصی باشیم که دلی چون دریا دارد و می‌توانیم هر روز از او چیز جدیدی بیاموزیم!

۳۹- «حکایت می‌شود که جوانی دروغگو در یکی از روزها در دریا شنا می‌کرد و تظاهر به غرق شدن نمود!». عَيْنَ الصَّحِيح:

۱) يُقَالُ أَنَّ شَبَابًا كَذَبًا فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ سَبَحَ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْغَرَقِ!

۲) يُحْكِي أَنَّ شَابًا كَذَبًا فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْغَرَقِ!

۳) يُحْكِي بَأَنَّ شَابًا قَدْ سَبَحَ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ فِي الْبَحْرِ وَ يَتَظَاهَرُ بِالْغَرَقِ!

۴) يُقَالُ إِنَّ شَابًا كَذَبًا قَدْ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ وَ يَتَظَاهَرُ بِالْغَرَقِ!

۴۰- قَدْ تَجَرَّى كَلِمَاتٌ عَلَى أَلْسِنَانَا وَ أَقْلَامُنَا وَ لَهَا مَهَانٌ مُفِيدَةٌ وَ جَمِيلَةٌ وَلَكِنْ لَا نَعْمَلُ بِهَا، فَلَا تَقْدِرُ أَنْ تُسَاعِدَنَا فِي الْحَيَاةِ!»:

۱) قطعاً کلماتی بر زبان‌ها و قلم‌هایمان جاری می‌شوند که با وجود مفاهیم سودمند و زیبا به آنها عمل نمی‌کنیم، لذا قادر نیستند ما را در زندگی یاری کنند!

۲) گاه کلماتی را بر زبان‌ها و قلم‌های خود جاری می‌سازیم که مفاهیمی مفید و زیبا دارند با این حال در زندگی نمی‌توانند ما را کمک کنند، زیرا به آنها عمل نمی‌کنیم!

۳) گاهی کلماتی بر زبان‌ها و قلم‌هایمان جاری می‌شوند که معانی مفید و زیبایی دارند ولی به آنها عمل نمی‌کنیم، لذا نمی‌توانند در زندگی به ما کمک کنند!

۴) بی‌شک کلماتی را که بر زبان‌ها و قلم‌های خود جاری می‌کنیم معنی‌های سودمند و زیبایی دارند اما بدان عمل نمی‌کنیم، لذا نمی‌توانیم در زندگی از آنها یاری بخواهیم!

۴۱- « تلك المرأة من أعظم المتخصصين في الدراسات الإسلامية و تعدُّ أيضًا من أشهر المستشرقين في الربع الأول من القرن العشرين! »
(خارج از کشور ۱۴۰۱)

۱) آن زن از بزرگ‌ترین کارشناسان پژوهش‌های اسلامی می‌باشد و جزء شرق‌شناسان مشهور ربع اول قرن بیستم هم هست!

۲) آن زنی است که جزء متخصصین بزرگ تحقیقات اسلامی بوده و جزء شرق‌شناسان ربع اول قرن بیستم هم به شمار می‌آید!

۳) آن زن از بزرگ‌ترین متخصصان در تحقیقات اسلامی است و همچنین از مشهورترین خاورشناسان ربع اول قرن بیستم به شمار می‌رود!

۴) آن زنی است که از جمله کارشناسان بزرگ در پژوهش‌های اسلامی بوده و همینطور از جمله مشهورترین مستشرقان ربع اول قرن بیستم شمرده می‌شود!

۴۲- عَيْنُ الصَّحِيح: « إن شَاهِدَتَ أَحَدًا قَدْ وَصَلَ إِلَى الْقَمَّةِ فَإِنَّهُ كَانَ يَتَحَرَّكُ عِنْدَمَا كَانَ الْآخِرُونَ نِيَامًا »:
(سراسری ۱۴۰۰)

۱) اگر کسی را دیدی که به قله رسیده است، قطعاً زمانی که دیگران خفته بودند او حرکت می‌کرد!

۲) اگر مشاهده کردی کسی به قله‌ای رسیده، حتماً در حرکت بوده ات وقتی دیگران خوابیده بودند!

۳) اگر کسی را که به قله‌ای رسیده است ببینی، قطعاً حرکتی داشته در حالیکه دیگران خوابیده بودند!

۴) اگر مشاهده کنی کسی را که به قله رسیده، قطعاً در حالیکه دیگران خوابیده بودند می‌خواست حرکت کند!

۴۳- عَيْنُ الصَّحِيح: (خارج از کشور ۱۴۰۲)

۱) قَدْ عَرَفْتَا التَّجَرُّبَةَ طَرَقًا مُخْتَلَفَةً لِاسْتِخْرَاجِ النِّفْطِ: ما با تجربه راه‌های مختلف استخراج نفت را یاد گرفته‌ایم!

۲) مَنْ هُوَ الَّذِي يَجَاوِلُ دَائِمًا إِنْكَارَ كُلِّ مَا يَعْرِفُهُ، إِلَّا الْكَذَّابُ: کیست آنکه همیشه تلاش می‌کند همه آنچه را می‌داند انکار کند، به جز دروغگو!

۳) كَبُرَ ذَنْبًا أَنْ تَكُونَ حَسُودًا، لِأَنَّهُ لَا يَنْزِعُ مِنَ الْحَسَدِ إِلَّا الْحَسُودُ: گناه بزرگی است که حسود باشی، زیرا حسد به جز حسود را آزرده نمی‌کند!

۴) إِنَّ النَّجَاحَ أَجْرٌ مَنْ لَا يَقْنَطُ مِنَ الْمَصَائِبِ الَّتِي أَصِيبُ بِهَا: موفقیت پاداش کسی است که مصیبت‌هایی که به آنها دچار شده است ناامیدش نمی‌کند!

۴۴- « صديقك هو الشخص الذي يعرف نغمات قلبك و يستطيع أن يُغنيها لك أن كنت نسيت كلماتها! »
(سراسری ۱۴۰۰)

① دوستت همان کس است که آوازهای قلب تو را می‌دانست و هرگاه کلمات آن فراموش شد دوباره برایت می‌خواند!

② دوستت کسی است که نغمه‌های قلبت را بداند و بتواند آن را برایت دوباره بخواند هر زمان که کلماتش را فراموش کرده باشی!

③ دوست تو است آن کسی که آوازهای قلبت را می‌شناسد و می‌تواند آن را به خاطر تو بخواند آنگاه که کلمات را فراموش کرده‌ای!

④ دوست تو همان کسی است که نغمه‌های قلب تو را می‌شناسد و می‌تواند آن را برای تو بخواند اگر کلمات آن را فراموش کرده باشی!

الجهل الذي هو عدو الأمم و مهلك الناس و مفسدهم، له عدو واحد فقط و هم المعلم! فلهذا للمعلم مكانة رفيعة عند أصحاب البصيرة. كثيراً ما نُشاهد أن بعض الناس يأملون أن يحصلوا على مناصب عالية فيروون في آمالهم أن يصبح كل منهم رئيساً أو وكيلاً و وزيراً، ولكن هذه المهن في الحقيقة لا تعادل مرتبة المعلم! نهم؛ إن الناس يعملون كلهم ولكن لاتجد عاملاً كاملاً؛ إنه ينير العقول، فأما غيره فيتير الشوارع، هو يهذب النفوس و غيره يهذب الأشجار... فلهذا لا يتحسر على حياة الآخرين لأنه هو الذي رباهم و صنعهم.

بناءً على هذا ترى أن الأمم المتقدمة تعظم هذه الجماعة لأنها تعلم أن أثرهم يتعكس على حياة المجتمع و نموه و حرفيه!

۴۵- عین الموضوع الذي لم يذكر في النص: (خارج از کشور ۱۴۰۱)

① آمال بعض الناس في الحياة!

② صفات الجهال و العلماء!

③ سبب تقدم بعض المجتمعات!

④ ذكر عمل المعلمين و الآخرين!

۴۶- عین الخطأ: على أساس النص، الواجب الأساسي للمعلم هو...

(خارج از کشور ۱۴۰۱)

① العداء ضد أعداء الناس و الحصول على المناصب العالية!

② تصحيح حركة الأمة و إدخال النشاط و الحياة فيها!

③ تربية العلماء و الأمراء و المهندسين!

④ رفض الجهل و السعي اذقمه!

۴۷- على أساس ما جاء في النص يمكن أن نقول: إن نقول: إن المعلم لا ... (خارج از کشور ۱۴۰۱)

① يهتم بما يبقى، بل يهتم بما يقوت!

② يأخذ منا شيئاً فيه ضرر، بل يعطينا ذلك!

③ يكشف للناس باطن الأمور، بل يمنعهم عن ذلك!

④ يغلق عيوننا لنستريح و تلتذ، بل يفتحها حتى ننظر ببصيرة!

۴۸- عین الحصحیح:

(خارج از کشور ۱۴۰۱)

① من آمال الإنسان في الحياة، أن يصبح معلماً في يوم من الأيام!

② سعادة أُمم و تقدُّمها ثمود إلى وقوع المواجهة بين الجهل و العلم!

③ إذ فات الجهل من بين الناس - على سبيل المثال - فلا حاجة لوجود المعلم!

④ كان المعلم وقف حياته للتغلب على المفسدين و مهلكي الشعوب في العالم!

۴۹- «نُشاهد»:

(خارج از کشور ۱۴۰۱)

① مضارع - للمتكلم مع الغير - حروفه الأصلية «شهد» و الماضي للغائب على وزن «فاعل»

② فعل مضارع - للمتكلم وحده - حروفه الأصلية «شهد» و الماضي للغائب على وزن «فاعل»

③ فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - له حرف واحد زائد، مصدره على وزن «مفاعلة» - معلوم

④ مضارع - ماضيه للغائب: «شاهد» على وزن «فاعل» - معلوم - فعل و مع فاعله جملة فطية

۵۰- «يأملون»:

(خارج از کشور ۱۴۰۱)

① مضارع - للغائب الجمع - ماضيه المفرد: «أمل» على وزن «فعل»

② فعل مضارع - للجمع - حروفه الأصلية «أمل» و ليس له حرف زائد

③ مضارع - للجمع المخاطب - روفه أصلية كلّها - مع فاعله جملة فعلية

④ فعل مضارع - للجمع المذكر الغائب - فعل معلوم و مع فاعله جملة فعلية

۵۱- « عاملاً »:

(خارج از کشور ۱۴۰۱)

- ۱) مفرد مذکر- اسم فاعل (من فعل «عمل»)- نكرة- مفعول لفعل «نجد»
 - ۲) اسم- مذکر- اسم فاعل (من مادة «ع م ل» و حروفه أصلية كلها)- نكرة
 - ۳) مفرد- اسم فاعل (من فعل «عمل» على وزن «فعل»)- مفعول لفعل «نجد»
 - ۴) اسم- مفرد مذکر- اسم فاعل (من فعل «عامل» على وزن «فاعل»)- نكرة
- ۵۲- «من أفضل الرق لاكتشاف كذب الأشخاص هو مقايضة ما يقولونه بما يفعلونه!»:

(سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) آنکه بهترین راه را برای پیدا کردن اشخاص دروغگو دارد همان است که گفته آنها را با عملشان مقایسه کند!
 - ۲) از بهترین راهها برای کشف دروغ افراد همان مقایسه چیزی است که می گویند با چیزی که بدان عمل می کنند!
 - ۳) کسی که بهترین راهها را برای کشف دروغ افراد دارد، آنچه را آنها می گویند با آنچه به آن عمل می کنند مقایسه می کند!
 - ۴) بهترین راه برای یافتن دروغگویی اشخاص عبارتست از مقایسه سخنی که می گویند با چیزی که بدان عمل می کنند!
- ۵۳- عین الفعل يمكن أن يكون وقوع في زمانين:

(سراسری ۱۴۰۲)

- ۱) من تخرج من الجامعة دون علم مفيد للمجتمع خسر خساراً!
- ۲) من يُعینک علی رفع عیوبک غیر صدیقک الدوق حقاً!
- ۳) من یسبح فی البحر و لم يتعلم السباحة جيداً یغرق!
- ۴) من استبد فی حیاتہ إلا الذی لا یری لغيره حقاً!

۵۴- عین الخطأ:

① إِنْ كُنْتَ تُحِبُّ الْحَيَاةَ فَلَا تَضَيِّعْ وَقْتَكَ بِالْفَائِدَةِ: اگر زندگی را دوست می‌داری، وقت خود را بیهوده تلف مکن!

② الْحَقِيقَةُ هِيَ الشَّيْءُ الْوَحِيدُ الَّذِي لَا يُصَدِّقُهُ بَعْضُ النَّاسِ: حقیقت تنها چیزی است که بعضی مردم آن را باور نمی‌کنند!

③ بَعْضَ الْأَحْيَانِ أَسْمَعُ صَوْتًا هَادِنًا مِنْ ضَمِيرِي يَخْبِرُنِي لِلْنِّي لَسْتُ وَحِيدًا: گاهی از درونم صدایی آرام می‌شنوم که به من خبر می‌دهد که من تنها نیستم!

④ لَا تُجَادِلْ بَلِيغًا وَلَا سَفِيهًا، فَالْبَلِيغُ يَغْلِبُكَ وَالسَّفِيهَ يَجْعَلُكَ نَادِمًا: با سخنور و نادان جدل مکن که سخنور تو را شکست می‌دهد و نادان تو را پشیمان خواهد کرد!

۵۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «لَنفَكَّرَ عَنِ الْعَالَمِ وَمَا فِيهِ حَتَّى نَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ مَا خُلِقَ بَاطِلًا، وَإِنَّ لَمْ نَدْرِكْ كُلَّ دَلَائِلِ الْخَلْقِ!»
(سراسری ۱۴۰۰)

① می‌بایست به دنیا و هرچه در آن است بیندیشیم زیرا آن بیهوده آفریده نشده، و حتی اگر چیزی از علل آفرینش را در نیابیم!

② ما دَرَبَارَةُ الْإِنِّ عَالَمٍ وَآنْجِهْ دَرِ الْآنِ اسْتِ خَوَاهِمِ اَنْدِيشِيدْ زِيْرَا بِيْهُودَهْ خَلْقِ نَشْدَهْ اسْتِ، اِگَر چه نتوانیم همه علت‌های خلقت را درک کنیم!

③ بَايْدْ دَرَبَارَةُ جِهَانِ وَآنْجِهْ دَرِ الْآنِ اسْتِ بَيْنْدِيشِيمْ تَا بَدَانِيمْ كِهْ اَنْ، بَاطِلِ خَلْقِ نَشْدَهْ اسْتِ اِگَر چه همه دلایل آفرینش را درک نکنیم!

④ بَرَايِ اَنْدِيشِيدَنِ بَهْ عَالَمِ وَهَرْآنْجِهْ دَرِ اَوْسْتِ بَايْسْتِيْ كِهْ عَالَمِ بَاطِلِ اَفْرِيْدَهْ نَشْدَهْ، حَتَّى دَرِ صَوْرَتِيْ كِهْ هِيْجِيْكَ اَزْ دَلَائِلِ خَلْقَتِ رَا نِيَاْفْتِيمِ!

۵۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «بَا دُوسْتَانِمِ سَخَنَ كَفْتَمِ تَا بَدَانَنْدِ چْگُونَهْ بَرَايْشَانِ اِمْكَانِ دَارْدِ كِهْ دَرِ بَرْنَامَه- هَايْشَانِ مُوَفَّقْ شَوْنْد.»
(سراسری ۱۴۰۰)

① تَحَدَّثْتُ مَعَ زَمَلَائِي حَتَّى يَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُهُمُ النِّجَاحُ فِي الْبَرَامِجِ.

② حَدَّثْتُ أَصْدِقَانِي لِيَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْهُمْ التَّقَدُّمَ فِي بَرَامَجِهِمْ.

③ تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامَجِهِمْ.

④ كَلَّمْتُ زَمَلَائِي أَنْ يَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ أَنْ يَتَقَدَّمُوا فِي الْبَرَامِجِ.